

# دام انتخابات

شیدان وثیق



... با انتخابات اخیر، رژیم تلاش خواهد کرد که رای مردم را همگی و  
تمامن به حساب رای به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه گذارد. به  
همان سان که خامنه‌ای در طول انتخابات بر این نکته بارها و با  
اصرار تاکید کرده است. ولی فقیه و مقامات جمهوری اسلامی با اتکا  
به رای ۳۶ میلیونی مردم و به نام «مشروعیت مردمی خود»، در داخل  
کشور دست به سرکوب بی‌امان مخالفان سیستم خواهند زد...

---

## دام انتخابات

سپاس از میلیون‌ها شهروندی که انتخابات اسلامی را تحریم کردند

در انتخابات غیر دموکراتیک و غیر آزادی که در ۲۴ خرداد به پیروزی  
یکی از نامزدهای گزینشی و تحمیلی شورای نگهبان و کادر پر سابقه  
دستگاه سیاسی- امنیتی جمهوری اسلامی انجامید، میلیون‌ها نفر از  
شهروندان ایرانی شرکت نکردند. ما که از ابتدا دعوت به تحریم  
انتخابات کردیم، ما که همواره بر پایان دادن به سیستم جور و ستم  
نظام جمهوری اسلامی از طریق جنبش‌های اجتماعی و مردمی تاکید داشته  
و داریم، در درجه اول و بیش از همه سپاس و شادباش خود را نسبت  
به آن فعالان و مردمی ابراز می‌داریم که در جسارت تحسین‌برانگیز و  
در اقلیت خود، اقلیتی که تاریخ را همواره به پیش رانده است، با  
عدم شرکت در انتخابات فرمایشی، مخالفت اساسی خود را با نظام  
استبدادی دینی اعلام کردند.

انتخابات را همواره در عصر مدرنیته یکی از ابزارها و رکن‌های اصلی  
دموکراسی می‌شناسند. اما تنها به این شرط که آزاد و برابرانه  
باشد. یعنی چهار اصل اساسی آزادی و برابری احزاب، آزادی نامزد  
شدن، آزادی انتخاب کردن و آزادی تبلیغ و نشر در آن رعایت شوند.  
همه به خوبی می‌دانیم که از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی و قانون

اساسی اسلامی آن تا امروز، هیچ یک از شرط‌های اساسی نامبرده در انتخابات‌های جمهوری اسلامی و به طریق اولی در انتخابات اخیر وجود نداشته‌اند. پس به راستی در «انتخاباتی» که همواره تا بن به تبعیض دینی- استبدادی آغشته است، انسان‌های آزاده و آگاه تحت هیچ بهانه، توجیه، مصلحت یا تاکتیکی نمی‌توانند شرکت کنند. به همان سان که میلیون‌ها شهروند ایرانی شرکت نکردند.

با این همه اما، اکثریت بزرگی از ایرانیان همواره در انتخابات ضددموکراتیک جمهوری اسلامی شرکت می‌کنند و در انتخابات اخیر نیز به پای صندوق‌های رای رفتند. بخشی از آنان با این باور و خیال واهی در انتخابات شرکت می‌کنند که با «انتخاب میان بد و بدتر» از بین کادرهای سیستم جمهوری اسلامی شاید دریچه‌ای برای «تغییرات» در وضعیت اسفبار کشور، جامعه و خود باز شود. اما هر بار - پریروز خاتمی، دیروز موسوی و کروی و امروز روحانی - مردم با این واقعیتِ سر سخت نیز رو به رو می‌شوند که در نظام‌های استبدادی تغییرات یا باید اساسی و ساختاری یعنی رادیکال باشند و یا در غیر این صورت تغییرات واقعی نیستند. در سیستم‌های استبدادی، میان رادیکالیته در براندازی نظام برای آزادی و رهایی از یکسو و حفظ نظام در استمرار اسارت و بندگی از سوی دیگر، راهی میانی و معتدل نمی‌تواند وجود داشته باشد.

جامعه‌ی ایران امروز در برابر سه معضل- چالش تاریخی و بفرنج خود قرار دارد: دین سالاری، بی‌عدالتی اجتماعی و تبعیضات گوناگون از جمله جنسیتی و ملیتی. پاسخ به آن‌ها را نمی‌توان در درون نظام جمهوری اسلامی یعنی در سیستم تئوکراتیک اسلامی و در توانایی‌های موهوم و تخیلی درونی آن یافت. راه‌های برون رفت را می‌بایست در جایی دیگر یعنی در خارج از سیستم جست. جمهوریت، دموکراسی و جدایی دولت و دین که ما لائسیسته می‌نامیم بدون تردید چاره‌ای برای معضل اولی است. مقابله با مناسبات سرمایه‌داری ملی- جهانی همراه و همسو با مردمان جهان برای شکل دهی به «جهانی‌دگر» بیشک تلاشی در جهت پیشروی به سوی راه‌گشایی در حل معضل دومی خواهد بود. واژگون‌ساختن تمرکزگرایی دستگاه سنتی- تاریخی دولت مقتدر در ایران با ایجاد شکل‌های نوین خود- گردانی و خود- مختاری غیر متمرکز و فدرالی بلکه شرایط را برای حل معضل سومی مساعد سازد.

اما مقدم از همه امروز و در درجه اول و مبرم باید بر ماجراجویی تسلیحاتی اتمی جمهوری اسلامی از طریق برون رفت از تولید انرژی هسته‌ای در کلیت آن و به ویژه در بعد نظامی و بر مداخله

سیادت طلبانه و شوینیستی دولت ایران در منطقه و خاورمیانه پایان بخشید. از این طریق است که می‌توان بر تحریم‌های ناگزیر جامعه بین‌المللی که به بحران شدید اقتصادی کشور انجامیده است و بر مشکلات معیشتی بی‌سابقه‌ای که گریبان مردم و زحمتکشان را فرا گرفته است فائق آمد. این سیاست‌های رادیکال اولیه می‌توانند راه را برای تغییرات اساسی بعدی هموار سازند. اما در این جا نیز روشن است که هیچ یک از این اقدامات عاجل نمی‌توانند با وجود نظام جمهوری اسلامی و از طریق جا به جا شدن سران قسم خورده‌ی آن در راس کشور و حتا در بهترین حالت با انتخاب «معتدل‌ترین» آن‌ها که مهره‌ای از دستگاه استبدادی بیش نیستند، شکل عملی به خود گیرند.

با انتخابات اخیر، رژیم تلاش خواهد کرد که رای مردم را همگی و تمام به حساب رای به نظام جمهوری اسلامی و ولایت فقیه گذارد. به همان سان که خامنه‌ای در طول انتخابات بر این نکته بارها و با اصرار تاکید کرده است. ولی فقیه و مقامات جمهوری اسلامی با اتکا به رای ۳۶ میلیونی مردم و به نام «مشروعیت مردمی خود»، در داخل کشور دست به سرکوب بی‌امان مخالفان سیستم خواهند زد. در خارج از کشور ماجراجویی نظامی خود را با اتکا به نفس بیشتری ادامه خواهند داد و در مذاکرات اتمی از موضع قدرت شرکت خواهند کرد... مگر آن که مردم با مبارزات خود محاسبات آن‌ها را بر هم زنند. مگر آن که آن میلیون‌ها مردمانی که انتخابات را تحریم کردند و یا رای به به روحانی با امید به تغییرات دادند، به دور از توهم نسبت به تغییر و تحول از طریق اتکا به بالایی‌ها و قدرت مداران، امور و سرنوشت خود را، خود، در دست گیرند.

مردم ایران، زحمتکشان و کارگران ایران، زنان و جوانان ایران... برای بهبود شرایط زیست و معیشت خود، برای کسب حقوق اساسی و برابری خود، برای به دست آوردن آزادی‌های مصرح در اعلامیه جهانی حقوق بشر که آزادی زندانیان سیاسی، آزادی تشکل سیاسی و سندیکایی، آزادی بیان، عقیده و رسانه‌ها... بخشی از آن‌ها را تشکیل می‌دهند، برای پایان دادن به تبعیضات مختلف ناشی از حکومت دینی-اسلامی... هیچ راهی جز مبارزه از پایین و دامن زدن به تظاهرات، اعتصابات و جنبش‌های اجتماعی ندارند. همان راه و روشی که امروزه در برابر دیدگان‌شان دیگران بر گزیده‌اند. راه و روش مبارزان میادین تحریر و تقسیم. راه و روش شورشیان آتن، ریو و سائوپولو...

چه داهیانه گفتند، آن مبارزان جنبش می‌شمت و هشت فرانسوی، در زمانه‌ای پر شور و فراموش‌ناشدنی، آن‌گه که «انتخابات» را «دامی»

برای پیشگیری از دخالت‌گری مستقیم جهت دگرسازی اجتماعی نامیدند. «انتخابات» هیچ‌گاه تاریخ‌ساز نبوده است. «انتخابات»، در آزادترین و دموکرات‌ترین شکل، چیزی جز تفویض «قدرت خود» به «دیگری» به نام «نمایندگی» نیست. چیزی جز استعفا از مشارکت و مداخله‌ی مسئولانه، مستقیم و بدون واسطه نیست. چیزی جز انصراف از گرفتن سرنوشت خود به دست خود و برای خود نیست. «انتخابات» هیچ‌گاه در تاریخ جای عمل تغییر واقعی، عمل اعتراضی مستقیم، عمل مبارزاتی، جنبشی و اجتماعی را نمی‌گیرد. صندوق رای هیچ‌گاه جای خالی خیابان و میدان را پر نمی‌کند. هیچ‌گاه به جای تظاهرات و اعتصابات کارگری و عمومی نمی‌نشیند. در یک کلام هیچ‌گاه بدیل قیام و انقلاب نمی‌شود.

باشد که زنان، زحمتکش‌شان، جوانان و ملیت‌های ساکن ایران مبارزه برای پایان دادن به اسارت اجباری یا داوطلبانه خود را به دست خود، در راه رهایی خود، سازمان دهند.

ژوئن ۲۰۱۳ - تیر ۱۳۹۲